



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

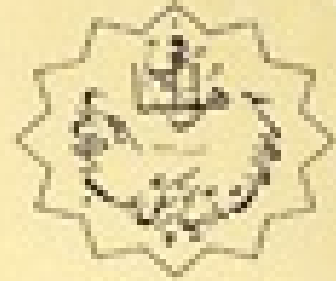


عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



پبلشرز انڈیا پرائیویٹ لمیٹڈ  
پتہ: 11، سیکٹر 1، روڈ نمبر 1،



رسالہ

# دین و دنیا

تالیف

حکیم عبدالعزیز محمود

بن محمود شہزاد

مترجم

دیباچہ بزم انگریزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رساله بیخ چینی همراه با دیباچه بزبان انگلیسی

نویسنده:

عمادالدین محمود طبیب شیرازی

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات تاریخ پزشکی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	رساله بیخ چینی همراه با دیباچه بزبان انگلیسی
۶	مشخصات کتاب
۶	[در آمد]
۶	اشاره
۷	حکیم عماد الدین محمود بن مسعود شیرازی و آثار او
۹	[خطبه مؤلف]
۹	مقدمه
۱۰	فصل در طبیعت آن
۱۰	فصل در منافع آن
۱۰	اشاره
۱۱	تنبیه- در نفع او در ازاله عادت افیون:
۱۴	فصل در شرائط خوردن بیخ
۱۶	فصل در بیان تفاوت امزجه در خوردن این دوا
۱۷	فصل در مقدمات خوردن آن
۱۸	فصل در ترتیب خوردن بیخ چینی
۱۸	فصل در استعمال این بیخ
۱۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## رساله بیخ چینی همراه با دیباچه بزبان انگلیسی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: عمادالدین شیرازی، محمود بن مسعود، قرن ۱۰ ق.

عنوان و نام پدیدآور: رساله بیخ چینی همراه با دیباچه بزبان انگلیسی / عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ۸۵ ص؛ ۲۲×۲۹ سم.

موضوع: پزشکی سنتی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: گیاهان دارویی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

شناسه افزوده: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

شناسه افزوده: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی □ طب اسلامی و مکمل

رده بندی کنگره: R۱۳۵/۵۸۱۶ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی: ۶۱۰

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۲۹۴۰۴

### [در آمد]

### اشاره

رساله

بیخ چینی

تألیف

حکیم عماد الدین محمود

بن مسعود شیرازی

همراه با

دیباچه بزبان انگلیسی

رساله بیخ چینی، در آمد، ص: ۳

مشخصات کتاب

نام کتاب: رساله بیخ چینی

مؤلف: حکیم عماد الدین محمود بن مسعود شیرازی

تاریخ تألیف: رمضان المبارک ۹۹۳ هجری قمری

دیباچه انگلیسی: از حکیم عبد الباری، حکیم ارشد حسین

دیباچه فارسی: از دکتر محمد مهدی اصفهانی

نسخه مادر: نسخه چاپ شده در مجله علمی جامعه همدرد هند بنام

(Studies in History of Medicine and sciengce. vol XIIN, No ۱- ۲ (۱۰۰۲)

اهداء شده به ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سفر زمستان ۱۳۸۲

ناشر: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل - دانشگاه علوم پزشکی ایران با تشکر بسیار از حمایت بی دریغ حوزه

معاونت محترم آموزشی و امور دانشگاهی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

شماره نشر: ۲۴ متفرقه

تاریخ نشر: تیرماه ۱۳۸۳

نوبت نشر: یکم

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

رساله بیخ چینی، در آمد، ص: ۵

بسمه تعالی

### حکیم عماد الدین محمود بن مسعود شیرازی و آثار او

حکیم عماد الدین محمود بن مسعود بن محمود بن شیرازی یکی از پزشکان دانشمند و مولفین پرکار قرن دهم هجری و معاصر

دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی است که از شهرت و مقام والائی در تاریخ پزشکی برخوردار است.

این حکیم فرزانه مدتی به عنوان پزشک در بیمارستانی که در آستان مقدس حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) برای ارائه

خدمات پزشکی به زائران و مجاوران، از پیش ایجاد شده بود به دستور شاه در مشهد اقامت گزید و در همان جا کتاب معروف

آتشک [۱] و کتاب حاضر (یعنی رساله بیخ چینی) را تالیف کرد.

آثار ذکر شده از او [۲] که در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور قابل دستیابی است عبارتند از:

۱- ینبوع در ۴۳۶ صفحه در ادویه مفرد و مرکبه (قربادین) موجود در کتابخانه ملی پاریس

۲- رساله‌ای درسته ضروریه موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی

۳- رساله‌ای در بیان خواص و منفعت چوب چینی (رساله حاضر)

۴- رساله قلع آثار در دفع هر رنگ از جامه و کاغذ و غیره در ۵۳ باب موجود در کتابخانه ملی پاریس

رساله بیخ چینی، در آمد، ص: ۶

۵- رساله مورد اشاره در شماره ۴ همراه رساله افیونیه، موجود در کتابخانه حضرت آیت الله بروجردی در نجف اشرف

۶- رساله افیونیه در مورد تریاک و اعتیاد به آن، در همان کتابخانه

۷- کتاب تشریح

۸- رساله مفرح یاقوتی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

۹- رساله آطریلال موجود در کتابخانه ملی پاریس

۱۰- رساله‌ای در مورد جدوار

۱۱- رساله آتشک - این رساله از روی یک نسخه خطی به شماره ۱- خطی در سال ۱۳۸۲ توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی،

طب اسلامی انتشار یافته است.

۱۲- آثار متفرقه از جمله رساله کیفیت اعمال نوروز بحسب سنت و پزشکی. این رساله در مجموعه حجله العرایس که در سال

۱۰۰۸ توسط مالک الدین محمد بن مالک الدین موید الحموی الشیرازی نگارش یافته نقل شده است  
 ۱۳- ضمناً در مجموعه نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی آثار زیر از حکیم عماد الدین محمود بن مسعود قابل دسترسی است.

\* رساله در سموم

\* رساله پادزهر

\* آتشک

\* افیونیه

\* پنج چینی

\* جمل و جوامع

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۷۳

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۷۴

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۷۵

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۷۶

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۷۷

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۷۸

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۷۹

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۰

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۱

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۲

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۳

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۴

تصویر



رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۵

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۶

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۷

رساله بیخ چینی

### [خطبه مؤلف]

الحمد لله على نعماته و الصلوة و السلام على نبينا محمد و آله و اصحابه افضل الصلوة و اكمل التسليم- اما بعد بدانکه این رساله ایست مختصر و مقاله ایست معتبر در امور متعلقه به بیخ چینی که حسب الامر نواب جهانبانی و کشورستانی سلیمانی الزمانی آنکه از فهم ثاقب و رای صائب گوئی سبق از همکنان و اقران بلکه از عالمیان ربوده و ابواب خیر و اصطناع بر عالمی گشوده عالمی است و جهانی در جوانی و دریائی در دانائی، سایه دولتش که غره صباح سعادت است همچون ظل شاخص در وقت استوا در اوائل نهار در خط استوا از مشرق بمغرب کشیده آنکه در خردی از همه بزرگان بمرتبه بلندتر و در سن حدائت بحکم وراثت از همه دولت‌مندان ارجمندتر است- نور حدیقه شاهنشاهی مجموع الطاف الهی الذی فی شانہ ورد هذه الايات على خاطری مرتجلا و به اباهی، بیت-

ای پرورش ذات تو از لطف الهی انعام تو و لطف خدا نامتناهی

هرچند خرد خواست کند حصر کمالت عاجز شد از اوصاف کمال تو کما هی

کس را نبود هیچ شکایت ز زمانه گر چرخ کند پیروی آنچه تو خواهی

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۸

این حقیر بی استطاعت در همه صناعت محمود بن مسعود الطیب الشیرازی رساله در خواص و طبالع و منافع بیخ چینی که تا قریب باین زمان معلوم کسی نبود در حیز تحریر آورده اگر موافق صواب باشد با برکت آستان علین و آشیان امام الثقلین هاوی الخافقین علی ابن موسی الرضا علیه السلام اکملها و من التحیات اجملها و بتوجه شاهزاده عالمیان و نور دیده آدمیان خواهد بود و اگر موافق نباشد از وفور قصور این حقیر است لیکن امیدواری بتوفیق حضرت باری عزّ اسمه چنان است که از آنچه در بیان دواهای که معروف و مشهور است و در همه کتابها مذکور و مسطوراتم و اکمل و احسن و اجمل باشد- انه علی ما یشاء قدیر و بتحقیق رجاء المؤمنین حدیر-

### مقدمه

پوشیده و پنهان نیست که این بیخ درین تاریخ که مردم بران اطلاع و از استعمال آن انتفاع یافته‌اند، چنین مسموع شده که بعضی از اوقات در آن بلاد که این بیخ از انجا می آورند قحطی در شهر پیدا شده بود- مردم بصحرا متوجه شده اغتذا با وصول و اوراق نباتات می نمودند و چون این عذوبتی دارد و طعم و رائحه که موجب تنفر طبع باشد ندارد مردم بیشتر باین بیخ رغبت می نمودند- اتفاقا در میان ایشان صاحبان امراض مزمنه خاصه سوداویه و قروح عفنه خبیثه و نواصیر و نار فارسی و مانند آنها از خوردن این بیخ شفائی کامل یافتند و چون آن حال مشاهده ایشان شد از آن زمین استخراج می نمودند و بدیگر مواضع بی نمک بود بلکه مضرت می‌رسانید- از جمله بیگم را که حرم شاه جنت مکان مغفور مبرور بود فالجی طاری شد و نصف اعضای او از حرکت بازماند بعد از

معالجات بسیار او را حرکتی پیدا نشد و از حرکت ماند و چون اول اشتها این بیخ بود در دادن اندیشه کردند که مبدا مودی بهلاکت شود- صلاح در آن دیدند که اول به دیگری تجربه کنند- بعورتی که قریب باو در سن بود دادند مفید نیفتاد بنابراین باو ندادند و اما در ریشها و در زخمها و قروح خبیثه و عفنه و وجع مفاصل و بادهای آتشک که مدتهای رساله بیخ چینی، متن، ص: ۸۹

مدید مزمن شده بود و هیچ تنقیه و قطلیه دران مفید نمی افتاد بکم مرضی ازین امراض است که فائده ندید و مریض شفا نیافت.

## فصل در طبیعت آن

چون از قول قدماء، درباره او نصی نیست تامل تمام در تحقیق طبیعت او هست مجملا چون نفع او در امراض سوداویه است و در طبیعت سودا یبوست است بنا بر قاعده کلیه که شفای مرض بضد است چنانچه ظاهر می شود که حار در طب باشد و چون تاثیر او در حرارت ظهوری ندارد می نماید که در مرتبه اول بلکه در اول مرتبه اول باشد در حرارت دیگر چون فعل او ترقیق و تسهیل و تذویب مواد است و تغلیظ و اجماد و تخدیر و تصلیب باید که در طبیعت او حرارت باشد زیرا که طبیعت دوا معتدل از افعال مذکوره قاصر است و هرگاه که معتدل نباشد ظاهر است که بارد نتواند بود و دلیل آنکه قوی الحرارت نیست آن است که در تکثیر مقدار و تکرار استعمال او احداث حرارت زیاده نمی نماید و اما اینکه این رطب است نه یابس همین دلیل حرارت جاری است جهت آنکه افعال مذکوره که ترقیق و تسهیل و تذویب است مقارن یبوست نمی تواند بود و لیکن جائز است که در وی یبوست قلیله باشد و بواسطه مصاحبت آب بسیار، یبوست او منکسر شود و به رطوبت مائل گردد و می تواند بود که بواسطه همین رطوبت مکتسبه دفع یبوست کند و این احتمال قوی است لهذا در حکم بر رطوبت او تامل تمام است بر خلاف حرارت که با وجود انکسار او برودت آب بالکلیه منتفی نمی شود و اما اینکه درو رطوبت فضلیه هست ترووی نیست و مراد از رطوبت فضلیه رطوبتی است

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۰

که در مزاج او باشد و ممازج تمام اجزای او باشد و دلیل بر این آن است که سوراخ سوراخ می شود و باندک زمانی متفتت می گردد و چون این رطوبت فضلیه کثیفه کسر حرارت او فی الجمله می کند قسمی که اندک کهنه شده باشد آن را بهتر می دانند بواسطه آنکه تاثیر او اقوا می شود.

## فصل در منافع آن

### اشاره

همه کس منافع او را در قروح آتشک که به تنقیه و تطلیه و سائر تدابیر متعارفه مندفع نه شود مشاهده کرده اند و بعد از آنکه درین مرض کاهیده و زبون شده باشند بعد از خوردن این بیخ بصحت و قوت اول رجوع می کنند بلکه بسیار بهتر از ایام سابق می شوند و سرخ و فربه و باصفا و تراوت می شوند و در تعقادات و گره هائی صلب سوداوی فائده عظیم دارد و بطریقی که آفتاب برف و یخ را می گدازد این بیخ اینها را می گدازد و در داء الثعلب و داء الحیه نیز بسیار نافع است و اما نفع او به صعوبت پرهیز برابری ندارد و محتمل است که در مالیخولیا و جنون و ربعهائی کهنه نیز نافع باشد اگرچه در نسخه خوردن آن بیخ و طریق آن نوشته اند، بمشاهده نرسیده و در برص سیاه و بهق سیاه بغایت مفید است و در سرطان بواسطه آنکه مرض در کمال صعوبت است، نادر انافع می باشد- حکایت- عورتی را سرطان رحم بود در سن بیست سالگی تقریبا و بدین سبب عقیم بود- فرزندى نمی آمد و اگر حامله می شد زود اسقاط می کرد- و او را بعد از تنقیه بلیغ بیخ چینی دادند مرض او بالکلیه مرتفع شد و فرزندان متعدد آورد و بزرگ و کامل شدند-

چند کس را دیدم که سرطان رحم داشتند و حامل شدند و در وقت وضع بواسطه آفت عضو و قوت دفع جنین وجع شدید طلق داشتند و مردند و بسیاری حامل نمی‌شدند و بحال ایشان اصلاح می‌بود اگر این بیخ را

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۱

می‌دادند ایشان یقین که فائده عظیم می‌یافتند اما چون خواص تمامی این بیخ مردم را معلوم نبود بعمل نمی‌آوردند و در جرب بواسطه آنکه مواد تحت الجلد را بعرق دفع می‌کند نفع تمام دارد و اما او بمشقت پرهیز برابری ندارد او خالی از نفعی نیست و در اورام صلبه سفید و سیاه و ورم بیضین نفع عظیم دارد و در مفاصل سوداوی نافع است- این است منافی که ازین بیخ اکثر مشاهده این احقر شده-

### تنبیه- در نفع او در ازاله عادت افیون:

از افیون بواسطه تقلیل دم و روح مضرت عظیم بشارب آن می‌رسد و آنکه ترک نمی‌تواند کرد چنانچه در رساله که در افیون تالیف کرده‌ایم، سبب آن است که روح و حرارت بدنی بواسطه قلت وافی قادر باقلال بدن نیست و از خوردن آن اجتماع حاصل می‌شود که به قوت تمام عود می‌کند و لا یزال درین حال و مبتلا باین وبال است و بیخ چینی چنانچه مذکور شد ترقیق خون می‌کند و از خون رقیق روح بسیار متولد می‌شود- پس وضعی که از افیون حاصل می‌شود و برودت و بیوستی که او را هست به حرارت لطیفه و رطوبت ذاتیه یا عرضیه او زائل می‌شود خاصه در زمان طویل، و غالب آن است که به تدبیری دیگر در ازاله غائله افیون حاجت نمی‌شود و خواجگی پسر خواجه شمس الدین محمد همدانی بعد از آنکه بیست سال افیون و برش و مانند اینها بافراط می‌خورد، بیخ چینی خورد و از خوردن آن عادت او برطرف شد و بقوت و حال اول عود نمود و بسیاری نظیر او چنین کردند و کسانی که بواسطه تسکین اوجاع قدیمی افیونی شده بودند چون آن اوجاع را برطرف ساخت، این عادت را نیز برطرف کردند و چندان مشاهده نموده که حصر آن مشکل است که به جهت عادت خوردند و فائده یافتند و بدانکه منافع که در نسخه‌های نوشته‌اند مطلقا درست نیست و مطلقا نیز باطل نیست و ما از برای هر یک از صواب

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۲

و خطا وجهی و حکمی بیان می‌کنیم: چنین آورده‌اند که این بیخ در مرض استسقاء مفید او اینگاهی می‌تواند بود که سبب استسقاء اورام صلبه سوداویه یا طحالیه باشد چون در ازاله استسقاء فی الجمله اثری دارد، دور نیست که فائده کند و با آنکه در ازاله رطوبات استسقاویه به تعریق و ادرار نفع تمام دارد و این در سوء القنیه که اورام مذکوره باشد نیز خالی از نفعی نیست اما اگر زقی عظیم بل طبلی یا لحمی باشد عجب است که تأثیری بکند بلکه احتمال ضرر نیز دارد و اما در طبلی فائده او معدوم و ضرر او معلوم و در قسم باقی بواسطه آنکه مرض از رطوبت حاصل شده و ترطیب این بیخ بسیار نفع معتد به ندارد و ضرر قوی دارد جهت آنکه آنقدر تعریق و ادرار که او می‌کند باضعاف آن ترطیب می‌کند-

دیگر- آورده‌اند که در مالیخولیا نافع است و این حق است جهت آنکه خون را صافی و مشرق و نورانی می‌کند و کثافتها و کدورات که موجب اظلام روح می‌شود دور می‌سازد و اینها مستلزم نفع این علت است و ما بعد مالیخولیا از اقسام جنون و مانیا و قطرب نیز همین حال دارد آنچه آورده‌اند که جذام را مفید است جهت آن است که تصفیه و ترقیق خون می‌کند و ازاله تعقدات که لازمه این مرض است می‌نماید و مواد کثیفه که مکدر لون است بتعریق اخراج می‌کند و ازاله بیوستی که لازم این مرض است می‌نماید- الحاصل به وجهی نفع تمام دارد درین مرض- و اما نفع آن در لقوه سبب آن اگر موافق تجربه واقع شود آن است که مواد متشنجه و مرضیه را به تعریق اخراج می‌نماید- اما فائده او در برص سیاه ظاهر است و در برص سفید جهت آنکه خون صافی رقیق درین اوقات بسیار حاصل و ظاهر می‌شود و ازاله رنگ و طبع غذای مبروص می‌کند و ماده برص را نیز شیئا فشیئا به تعریق در

ایام دراز بواسطه آنکه ترقیق کرده است اخراج می‌نماید و اما فائده او در قولنج بواسطه ترقیق و تحلیل ماده محدث قولنج است-  
بباید دانست که مراد مردم از لفظ قولنج

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۳

تشنج و امتلائی عضلات و اعصاب و رباطات است و دردی که از انصباب مواد این اعضاء حادث می‌شود و نفع این بیخ در اینها حاجت به بیان ندارد- اما قولنجی که متعارف اطباء است و آن وجع امعاء است که بواسطه عسر خروج ما یخرج بالطبع است نفع این دوا در ازاله ممکن در زمان او هست و اگر نه بآنکه معلوم نیست که حل قولنج به صعب کند بمشقت پرهیز او نمی‌ارزد-  
و اما فائده او در وجع الورك که آن را بترکی کهنگو گویند، آن است که رطوبت غلیظ که متشرب شده در جرم عضو بواسطه لطافت بخار لطیف می‌شود و در مدت مدید بعرق و بخار دفع می‌شود بتخصص که ماده و سبب آن منقطع می‌شود بواسطه انقطاع تخمه و بهمین دلیل نفع او در عرق النساء ظاهر است و اما در مرض کحل بواسطه تحلیل ماده به تبخیر و تلین و توسیع مسام جلد و تصفیه دم از کدورات و شوائب مغلظه و محترقه و همچنین در امراض مقعد و بواسیر جهت آنکه حدوث آنها از مواد غلیظه سوداویه می‌شود و این دوا در دفع سودا اثر عظیم دارد- اما نفع او در تب رعب بواسطه تلطیف ماده و اصلاح دم و ازاله کیفیت سوداویه از اخلاط و اعضاء است و اما نفع او در مفاصل از آنچه در وجع الورك گفته شده ظاهر می‌شود بآنکه ماده این در صعوبت و غلظت کمتر است از آن و اما نفع آن در داء الفیل و دوالی هم بواسطه تصفیه دم و زوال سوداویت و غلظت مواد است- این است سبب نفع او درین مرضهای مذکوره-

فصل- معلوم است که در امراض کثیره صعبه مزمنه نفع و قوت تاثیر بحیثیتی دارد که بعد از آنکه در امراض مذکوره از سائر معالجات مایوس گشته باشند در استعمال این بیخ نجات تمام و فلاح و خلاصی ما لا کلام حاصل می‌شود و از اینست که گفته‌اند پرورش او از آب حیوان است بتخصیص که روایت کرده‌اند از حوالی ظلمات می‌آورند

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۴

خواه این ظن صواب باشد و خواه خطا و سبب نفع کلی این دوا در بدن از چند وجه است و محتمل است که از تمام وجوه باشد و محتمل است که غیر معلوم از وجوه زیاده از معلوم باشد و لا یحیطون بشئی من علمه إلا بما شاء-  
وجه اول آن است که بخار این دوا بعد از طبخ و نفع کامل و تلطیف حرارت طبخ آب و ترمیخ این دوا هم در ظاهر بدن و هم در باطن او تاثیر می‌کند- اما در ظاهر، ظاهر است و اما در باطن، جهت نفوذ او در باطن از ره گذر استنشاق و تنفس ریه ازال اثر کلی بدماغ و انف و مجری میان انف و فم و حلق و قصبه ریه و دل می‌رسد و از حداث که شرابین از فم مسام بدن می‌کند همه جای باطن می‌رسد و خود آن بخار که از مسام باندرون رفته بواسطه سرعت عوض بسیاری از مواضع بدن می‌رسد- پس چنین ظاهر شد که هیچ جا نیست از بدن که این بخار دران تاثیر بسیار ندارد-

وجه ثانی از تاثیر این دوا خوردن آب گرم او است که بالخاصیت و بالطبع منجذب می‌شود در عروق زیاد از آنکه فقط منجذب می‌شود و این معنی بر شارب این دوا ظاهر است که از خوردن آب او اصلاً ثقلی نمی‌یابد و سبب سرعت انجذاب آنست که این آب بحرارت طبخ در غایت لطافت شده بجهت آنکه سر آن را بسته‌اند و بخار آن چون راه بیرون ندارد بسر دیگر می‌رسد و مستحیل به آب می‌شود و باز در دیگر می‌ریزد و علی هذا آب او در لطافت بمرتبه اعلی رسیده و این چنین آب چون در معده رسد زود در عرق نفوذ کند و بجگر و سائر اجزاء بدن می‌رسد خاصه که حرارت طبخ هنوز با اوست و این موجب سرعت نفوذ او است و چون خود در کمال رقت و لطافت است چون اخلاطی که ممزاج و مصاحب اویند لطیف می‌شوند و رقت ایشان زیاده از قدر طبیعی می‌شود و معلوم است که همچنانکه مدد غذا

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۵

می‌رسد که اگر منقطع شود آن عضو ضعیف و فانی می‌شود و همچنین مواد امراض با وجود آنکه صلابت زیاده از قدر متعارف داشته باشند اغذا بمواد مناسب می‌کند و هرگاه مواد بدنی این حال پیدا کرد مرضی که از آن نشو و نما داشته باشد در کمال لین و رخاوت و ضعف خواهد بود و هرگاه که این حال یومافیومابرو وارد شود بسیاری نمی‌گذرد که از آن مرض اصلا اثری نمی‌ماند-  
وجه ثالث آن است که بدن متکیف بکیفیات متحمل می‌شود و این کیفیت می‌ماند در بدن بواسطه تواثر ورود آن و عدم انفصال به آب و غیر آن و عدم تبدیلی ثیاب و مسامات بدن اکثر اوقات متفتح است این موجب وصول کیفیت دواست باعماق بدن و در تحت الجلد خود البته می‌رسد و از انجا شیئا فشیئا با قاصی بدن بواسطه آنکه حرارت درو تاثیر بسیار دارد و از اخلاط حاره حاده مصاحب او است تحلیل تمام نیست و در وسخ نیز بسیاری از ابخره نیز در منافذ جامه است و این مستلزم آن است که تحلیل قوی حاصل شود خاصه در جلد و ما دون او و آنچه دور است از مسام بواسطه آنکه اثر مافی المسام باو می‌رسد آن نیز تحلیل می‌باید-

وجه رابع آن است که ترک ملح مصلب محفف می‌کند و در اعضا بواسطه آن لین و رطوبت حادث می‌شود و از نمک اعضاء صلب می‌شود و نفوذ دوا درو متغیر می‌شود و قوام رطوبات را نیز غلیظ می‌کند و منجمد می‌سازد و برای این معنی در مولود آب نمک بر اعضاء او می‌پاشند تا صلب شود و از مسامات ثیاب صلبه و هوای بارده متضرر نشود-

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۶

وجه خامس قریب بانچه سابق مذکور شد آن است که چون آن را در آب می‌جوشانند و طبخ او را می‌خورند در عروق دقیقه ضیقه نفوذ می‌کند و بمواضعی که محل صلابت و غلظت است می‌رسد خواه بواسطه طول استعمال که او در همه جا می‌رسد و خواه بواسطه آنکه طبیعت باذن خالقها توجیه امور نافع بمواضع لائقه می‌کند و شیئا فشیئا تذویب مواد صلبه می‌نماید بحرارت لطیفه ذاتیه مکتسبه از حرارت طبخ و آنچه تلطیف می‌کند- اگر به تبخیر می‌کند اخراج آن از مسامات بخار می‌کند و اگر بطریق تسحیل می‌کند با مائیه طبخ بطریق عروق و ترشح از مجاری بول مندفع می‌شود و می‌تواند بود که بهر سه طریق دفع کند-

وجه سادس ترک اطعمه غلیظه و رویه است و استعمال صالحه الکیموس پس ازین ماده این امراض منقطع یا کم می‌شوند و طبیعت بران مستولی می‌گردد و دفع می‌کند-

وجه سابع آن است که تقلیل غذا خواه اختیاری و خواه اضطراری، جهت آنکه طعام بی‌نمک موجب عدم توجه تام طبع است بآن و تقلیل غذا موجب تقلیل مواد می‌شود و تقلیل مواد موجب استیلای طبع بر دفع مرض-

وجه ثامن طول زمان است جهت آنکه مؤثر هرچند ضعیف باشد در مدت طویل اثر قوت او اقوی می‌شود و قریب باین معنی در اثنای وجوه مذکوره گزشت-

وجه تاسع آن است که بواسطه عدم تنفس از هوای بارد سخونتی در ارواح

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۷

قلبیه و از انجا در تمام اعضاء ارواح حاصل می‌شود و موجب تحلیل قوی می‌شود

وجه عاشر آن است که طبیعت درین اوقات که غذا کمتر می‌یابد روی آورد باصلاح ماده مرض و صرف می‌کند آن را در مصالح خود-

وجه حاوی عشر آنکه بعضی از مقدمات که از مطاوی سبق معلوم شده آن است که اگر شخصی چند روز متعاقب غده از غذاها هرچند که صلب و قوی باشد در آب گرم فقط بگذارد و بسیار زمان نه گذارد که آن غده بگذارد- پس اگر مدت چهل روز این آب حار مذیب را استعمال کند البته از باطن بموضع ورم می‌رسد جهت آنکه مشروب با قاصی اعضاء می‌رسد و با خون بهمه مجاری می‌رود بدلیل آنکه بول کسی که در پا حنا بسته باشد سرخ می‌باشد و هرگاه هر روز بآن موضع می‌رسد تحلیل بسیار و اثری قوی خواهد کرد یوما فیوما ماده مرض کم خواهد شد و هرگاه که کم می‌شود تحلیل او اسهل می‌شود جهت آنکه محلل یوما

فیوما اقوی می‌شود زیرا که اثر او و کیفیت او تمام زائل نشده و اثر دوا روز دیگر باز می‌رسد همچنین متحلل نیز فیوما کم می‌شود و هرگاه که فاعل قوی می‌شود و منفعل ضعیف فعل باکمل وجوه وقوع یابد و اما در قروح و نواصیر که بواسطه ردائت غذا آن قرحه ناصور می‌شود و هرگاه آن ردائت برطرف شود اخلاط صالحی که کاسر کیفیت روائت آن باشد یا به تحلیل رود بواسطه قوت محلله و یا منتشر شود و طول ملاقات او بدن را برطرف شود بلکه مجموع این امور و امثال آن واقع شود و برطرف شدن آنها بسیار ضعیف نباشد و اما در سائر امراض مذکوره سبب و علت آنها مذکور می‌شود-

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۸

### فصل در شرائط خوردن بیخ

اما شروط منقسم است بدو قسم، یکی آنکه متعلق است بنفس این دوا دوم آنکه متعلق است باستعمال او اما اول و دران چندان شرط است اول آنکه سرخ باشد و سفید او آنکه غالب سنگین تر می‌باشد دلالت بر غلبه فجاجت و قلت نضج و حرارت می‌کند و این چنین بیخ طبیخ او نیز سرخ است دوم آنکه سنگین باشد جهت آنکه سبک او کهنه و بوسیده و کم قوت است بنا بر آنکه سبک او بواسطه غلبه اجزای هوائیه خفت پیدا می‌کند و اجزای هوائیه تخلخل المزاج است و تخلخل موجب تاثیر هوای خارج در باطن و تحلیل قوی و سوم آنکه کم گره باشد و سطح ظاهر او مستوی باشد چه آنچه برخلاف این باشد با آن است که در زمین کم رطوبت نما یافته است و بیس برو غالب شده و معلوم است که این چنین دوا جذب غذای خود نتوانست کرد و ناقص و کم قوت مانده و با آن است که هنوز استکمال نیافته که بیرون آورده اند و رطوبات غیر ممانجه او مفارقت نموده‌اند و خشکی مانده و ضعف و نقصان این در دفع علت ظاهر است و چهارم آنکه متوسط باشد در کوچکی و بزرگی و اگر چنین نباشد افراط و بزرگی چندان مذموم نیست مادامیکه جامع صفات حمیده باشد و اما خوردن با وجود آنکه در اکثر اوقات اثقل می‌باشد بواسطه نقصان نمو قوت و کمال نیافته- پنجم درو طعمی غالب نباشد زیرا که طعم غالب دلیل است که جسم دیگر ذو طعم درو نفوذ کرده و احداث طعم نموده و چون در اصل خالی از طعام بعدوبت مایل است هرچه نه چنین باشد مغیری برو مستولی شده خواهد بود و آن چنان که مغیر طعم است

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۹۹

مبدل مزاج است- ششم آنکه رائحه باو نه باشد بهمین دلیل مذکور- هفتم آنکه رنگ ظاهر او مخالف باطن نباشد بلکه آنکه سرخ تر و ما سوای این دلیل آن است که رنگ از خارج استفاده نموده باشد هشتم آنکه چهار دانگ آن قسم سنگین و دو دانگ سبک تر باشد- دلیل این در مقاله مذکور است- نهم آنکه مستوی الا جزاء باشد در صفات مذکوره و آن لون و صلابت و لین است- دهم آنکه در آوردن او را از مغیرات و مفسدات نگاه دارند مثل آب دریا و نم باران و گرمی آفتاب و آتش و مجاورت چیزهایی که مغیر و مفسد مزاج است مثل کافور و فریون و جند بیدستر و مشک و امثال اینها و این شرط عام است در اکثر دوا یازدهم آنکه درست باشد و ناکوفته جهت آنکه قوت او زود به تحلیل می‌رود و خوب و بد او متمیز نمی‌شود و همچنین شرطها که در جمع و خزن عقاقیر آورده شده درین جا نیز ملحوظ دارد و قسم دوم از شروط آن است که متعلق باستعمال باشد و دران نیز چند شرط است اول آنکه این بیخ چنانکه مذکور شد بعضی سبک باشد و بعضی سنگین و آن را بکاردی پاره پاره کنند به تنگی کاغذی و اندکی از آن کننده تر حاصل چنان نباید کرد که مرتبه اول در جوشانیدن طبخ استیصال تمام قوت او نموده باشد و آن قدر قوت دران نمانده باشد که در مرتبه ثانیه که مطبوخ شود میان او و بید کهنه فرقی نباشد بلکه فرق باشد که در چوب بید کهنه فی الجملة قوتی هست و در مثل نی و گاه است که می‌گویند او را بقدر جو و نخود و باقلا خورد می‌کنند و این بد نیست ما دام که مانند آرد ریزه نشود و اگر بشود آن را بدل کنند بوزن آن بیخی که بطریق مذکور باشد بسبب

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۰

آنکه آنچه مانند آرد شده درو چند مضرت است، یکی آنکه درو قوتی نمی‌ماند برای طبخه ثانیه و دیگر آنکه بعضی از اجزای او به آب مشروب داخل می‌شود و دران نیز چند مضرت است سوم آنکه آب را غلیظ می‌کند و در منافذ و مسالک دقیقه نفوذ بر وجه مطلوب نمی‌کند- چهارم آنکه او نیز در بعضی مجاری می‌ماند و احتمال تسدید دارد و دیگر آنکه چون در مقدار کمتر از باقی اجزاء است تاثیر و انفعال او از حرارت و غیر آن متشابه نخواهد بود- پس در تاثیر با دیگر اجزاء متساوی نخواهد بود- شرط دوم از قسم دوم وزن معین است بدستور مذکور که به تجربه به صحت رسیده که ما دون آن غیر مؤثر و ما فوق آن مضر است سوم آنکه طبخ به آب که اگر سفوف سازند و یا معجون کنند و یا غیر آن و یا آنکه بدستوری که بعد ازین می‌آید ترتیب یافته باشد خاصیت مطلوبه ازو بفعل نمی‌آید و یقین آب در میان مایعات بواسطه آن است که قابل همه قوتها است و منافات با هیچ قوتی ندارد و مالوف همه طبائع است چهارم تعیین وزن آب جهت آنکه زیاده بر آن موجب ضعف یا بطلان قوت او می‌شود و کمتر از آن موجب غلط قوام و تاثیر آن زیاده از حد مطلوب و تجربه درین امور شاهد عدل و حکم صدق است- پنجم پوشیدن او در وقت جوشیدن تا ابخره که حامل قوت او است بیرون نرود و نقصان قوت او لازم نیاید- ششم آنکه جوشیدن تا حد معین و آن کمتر از ثلث است که استیفای استخراج قوت او چنانچه مطلوب است بشود- هفتم آنکه بخار او در وقت سر دیگ برداشتن و دیگ را زیر لحاف برون می‌باید که در روی و گلوی او برآید- هشتم آنکه آن بخار که بعث بیرون آید ضائع نشود و هم

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۱

برای مصلحتی صرف شود و آن این است که بخاری که بسیاری از قوت دوا با اوست، بعضی در بیرون بدن تفتیح مسام کند و رطوباتی که بواسطه حرارت بخار ذوبان و سیلان پیدا کرده از مسام بیرون آید و همچنین بدماغ از تنفس و استنشاق و پر شدن سر و روی اثر کلی می‌کند رطوبات غلیظه که در دماغ است می‌گدازد و در سینه و شش و آلات تنفس اثر عظیم می‌کند حاصل آنکه آن بخار در ظاهر و باطن بدن تاثیر قوی می‌کند و رطوبات را بتحلیل می‌برد اما تاثیر او در اعالی بدن زیاده است از آنکه در اسافل جهت آنکه بالطبع صعود بخار بجانب بالا است و در تنفس نیز بالای بدن متاثر می‌شود و نهم آنکه از آن آب مقدار اینکه بخار او بیرون آمده باشد و حرارت او هنوز فاتر نشده باشد یک پیاله و نیم بیاشامد بعد از تصفیه تا این آب بحرارت بالفعل و بالقوه آنچه بخار در جوف اعلی اندکی کرده باشد این در جوف اسفل اضعاضا مضاعفه آن بکنند و در عروق ماساریقا نیز نفوذ کرده و تفتیح آنها می‌کند و در جگر همچنین و از آنجا مجرای جوف باعضا رساند و آنچه مذکور شد از منافع و فوائد بفعل آید دهم آنکه بقیه آن آب را دو نصف کنند نصفی صباح تا پیشین و نصفی دیگر را تا شب جرعه جرعه بجای آب بیاشامند- یازدهم آنکه ازین آب قدری در دیگ طعام و در شربت‌ها بلکه در ابریق آب طهارت کند تا از همه جهتی در بدن اثری ازین آب حادث شود- دوازدهم آنکه استعمال اطعمه و ماکولات او بی‌نمک باشد جهت آنکه در نمک تصلیب اعضا و تجفیف رطوبات است و این معنی منافی افعال این بیخ است چنانچه مذکور شد- سیزدهم آن است که از ترشیها و لبنیات و همه طعامها بغیر از چیزی چند که مجبور است

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۲

احتراز کند و بسبب آن حاجت تفصیل ندارد- چهاردهم آنکه احتراز کنند از مباشرت مطلقا و سبب آن نیز معلوم است- پانزدهم از اعراض نفسانی مثل غم و هم و غضب محترز باشند و امری که مفضی بیکی ازینها باشد مثل غضب در بعض احوال و وجه آن بر بصیر مخفی و مستور نیست- شانزدهم از حرکات عنیفه مجملا- و از جمیع چیزهای که حافظ صحت آنها را می‌باید مرعی دارد شارب این دوا را نیز می‌باید که آنها را مرعی دارد- هفدهم خشک کردن بیخ جوشانیده است و آن‌چنان است که در سایه خشک کنند و رطوبت او را بالکلیه نشف کنند تا از تعفن محفوظ باشد و اگر زمستان یا هوائی نمناک باشد بافتاب یا حرارت آتش ملائم خشک کنند و در کیسه یا در کاغذی کنند و بران بنویسند که بیخ روز فلان تا بیست روز در روز بیست و یکم از سر گیرد اول بیخ

جوشانده روز اول و روز چهارم بیخ جوشانیده روز بیستم هیزدهم این بیخهای دوباره جوشانیده را بدستور مذکور خشک سازند و حاجت آن نیست که مفرد باشد بلکه همه را یکجا با هم می‌توانند کرد- اما در خشک کردن مبالغه باید کرد نوزدهم آن است که ازین بیخ حلوا بپزند یا داخل زفت نموده بر سر اقرع نهند یا خشک کرده بر جراحت افشانند- بیستم آنکه وقت خوردن و عرق کردن تغیر جامه نکنند و بحمام نروند جهت آنکه در بخاری که بیرون بدن تاثیر کرده قوتی ازو در بدن و جامه می‌ماند که از دوام ملاقات تاثیر عظیم حاصل می‌شود و اگر این شسته شود اثر آن باطل می‌گردد و رطوبات بدنی را بواسطه طول تاثیر قوت و حرارت غریزی را تاثیر هست که کمتر از تاثیر قوت دوا نیست و ازین است که تا بعدی مبالغه نموده‌اند که دست و روی را به آب خالص نشویند بیست و یکم آنکه بدن از هوای سرد نگهدارند خاصه در زمانی

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۳

که مسام بدن بواسطه تعرق منفتح شده باشد که درین هنگام برودت هوا در اقصای بدن نفوذ کند و آن تحلیل و تلثین که مطلوب است بفعل نمی‌آید و دیگر مضرت‌هایی کلیه رو به ترکیب می‌نماید- واضح باشد که تغیر بدن در حرارت و برودت موجب وهن ترکیب بدن می‌شود و تخلل و تکاثف متعاقب بی‌تدریج خلل عظیم می‌رساند قیاس از گرم کردن به شب و در آب سرد انداختن باید کرد که بعد از آن که این را مکرر کنند باندک سعی منفسخ می‌شود با وجود صلابت قوی که او را هست پس واجب است که بعد از تعریق توقف تمام کند تا بدن بحالت اصلی عود کند بعد از آن اگر تردد اندک نمایند رواست- بست و دوم آنکه نگذارند که آب بیخ که مدار شرب و شربت بران است سخت سرد شود که موجب حدوث قولنجی یا وجعی قوی در اندرون شود بیست و سوم از اموری که محدث مرض باشد خاصه مرضی که منافی باشد خاصه پتهای که بحسب معالجه او را مقدم باید داشت استعمال چیزی چند باید کرد که موافق صحت و غرض مطلوب باشد و رفع این چنین غائله شود-

### فصل در بیان تفاوت امزجه در خوردن این دوا

مخفی نماند که مزاجی که برودت و یبوست برد غالب است خاصه که در آخر شباب و اول کهولت باشد انتفاع او ازین دوا اتم و ابلغ است و اطفال بواسطه غلبه رطوبت اصلیه و مشائخ بواسطه رطوبات فضلیه ازین دوا کمتر منتفع می‌شوند مگر مزاج اصلی ایشان بواسطه مرض تغیر یافته باشد که این هنگام محتمل است که فائده بسیار بایشان برسد خاصه کسانی که در آخر سن صبا و در اول شباب باشند و بواسطه امراض سوداویه قریب بدق

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۴

شیخوخه حاصل کرده که ایشان می‌تواند بود که بسیار منتفع شوند و اما مشائخ بآنکه رطوبات فضلیه ایشان بواسطه عارضی برطرف شود و دق شیخوخه ایشان برطرف گردد و به صلاح آمدن ایشان بواسطه انحطاط قوی دور است و چند کس را دیدم از پیران که بواسطه خوردن این دوا اول نوبت حبس بول شد بواسطه آنکه رطوباتی که منجذب در عرق ایشان باعضای ایشان می‌شود بواسطه ضعف قوت تمام بعروق مندفع نمی‌شود بجانب گرده و مثانه می‌آید و چون در طی مسافت طویل مختلط باخلط غلیظ می‌شود و بواسطه کثرت و غلظت قوت ایشان از رفع آن عاجز باشد حبس بول می‌شود و بعد از تحمل بسیار خطرهای شدید مشاهده می‌شود- اما تقطیر البول بواسطه ضعف ماسکه پیدا می‌شد و بهیچ وجه مندفع نمی‌شد و بعد ازین بسیاری نمی‌گذشتند که از هم می‌گذشتند و ایشان را از چیزهای که بی‌اختیار اتفاق افتاد وزیدن باد شمال بود با وجود آنکه در میان تابستان بود و آن را دخل کلی در حبس بول ایشان بود و می‌پندارم که اگر بجانب مثانه عود نمی‌کرد در اعضا می‌ماند و موجب استسقاء می‌شد و اما امزجه بارده رطبه که بلغم و مائیت درو غالب باشد این دوا را درو ضرر بسیار است جهت آنکه حرارت ضعیفه او دران مزاج تاثیری ندارد و رطوبت او ضرر بسیار می‌رساند و اما در مزاج صفراوی نفع فی الجمله دارد چه اصلاح یبوست آن مزاج می‌کند و حرارت او را مشتعل



نمی‌سازد بلکه سورت وحدت او را می‌کند و در او اعتدالی و قوتی احداث می‌کند و اما در دموی مزاج نیز خالی از ضرر نیست اگر گویند حفظ صحت بمثل است و چنانچه گزشت غالب در طبع او حرارت و رطوبت است پس باید که دموی مزاجان صحیح را این دوا بسیار مفید باشد گویم که این دوا

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۵

بواسطه دوائیت مشابه طبیعت دم بلکه طبیعت سائر اعضاء نمی‌شود بلکه احداث کیفیتی می‌کند و رای آنچه بدن راست پس دم را از حرارت و رطوبتی که موجب اعتدال اوست بیرون می‌آورد و بدرجه که بالاتر از آن مرتبه افراط است می‌رساند و برین قیاس باقی اخلاط و سائر اجزای بدن پس مشابه کیفیت بدن نخواهد شد بلکه غالب بر کیفیت بدنی و خلطی خواهد بود و در طی این کلام حکم بران که موافق و موی مزاج نیست ظاهر شد اما اختیار اوقات فصول در شرب این دوا- بدان که بهتر اوقات شرب این دوا وسط بهار است و اوائل خریف و طرفین صیف که تتمیم آن در اول ربیع و اول خریف شود و بدترین اوقات آن است که برودت هوا تکثیف مسام نماید و ظاهر قیاس که عقل مقتضی آن است که اسنان و مزجه و فصول و بلدان متساوی الاقدام باشند در استعمال دوا لیکن بنظر تحقیق چنان ظاهر می‌شود که اسنان متساوی باشند چنانچه گزشت و فصول و بلدان برابر باشند-

### فصل در مقدمات خوردن آن

جمهور برانند که قبل از استعمال آن اسهال اخلاط فاسده بلکه اسهال خلطی که سبب مرض است بکنند تا آنچه بماند اندک باشد و این بیخ در اصلاح و دفع آن قوی باشد و بر طیب لیب تعین منضج و مسبل و تلین درخور هر مرض و مزاج آسان است و اما طریقه آن علی سبیل التمثیل بیاوریم که اگر آن نهج را معمول دارند شفا و صحت مقارن افتد از آنچه هرگاه که جهت قروح و نواصیر که از آبله فرنگ پیدا شده باشد

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۶

دهند منضجات آن مرکب از پوست هلیله زرد، هلیله سیاه، گاوزبان، بادرنجبویه، انجیر، آلبوخارا، مویز منقی، بنفشه، عناب، اصل السوس، تخم کاسنی، بیخ کاسنی، تخم خیارین، گلکند آفتابی، ترنجبین و مسهلاتی که در مطبوخ داخل می‌شود و تربدوافتیمون و بسفنج و مانند اینها زودتر داخل کنند تا هرچه یوما فیوما نضج یابد اینها اخراج کنند کمتر بماند تا هم نضج قلیل باقی اسهل باشد و هم دفع آن آسان تر و ادخال اهلیجین در اول مرتبه جهت آن است تا فائده آن بیشتر بظهور رسد زیرا که عمده‌اند در تصفیه دم و تقویت اعضای غذا که بواسطه ارخاء ادویه منضجه سست شده باشند و بواسطه انصباب مواد فاسده در احشا ضعف یافته تلافی کنند و دیگر مقاصد که تبیین آنها مستلزم تطویل کلام باشد و این ادویه را روز چهارم معمول دارند و در پنجم مضاعف باینها سنامکی پنج مثقال تا هفت مثقال داخل کنند و چون دافع اکثر مضار سنامکی گل سرخ است و فی الجمله اسهالی بر سبیل عصر می‌کند سه مثقال داخل کنند و کسی را ندیده‌ام که استعمال سنامکی بی گل کرده باشد و اگر طبیعت لین چندان پیدا نکند گاه باشد که روز ششم و هفتم نیز داخل کنند جهت اصلاح جگر گاهی از نیم مثقال تا دو مثقال ریوند چینی در جلاب اگر بدهند نفع کلی دهد و روز ششم یا هفتم یا هشتم علی سبیل احتیاج جلاب ضعیف مشتمل بر بعضی از ادویه معضجه بدهند و اگر حاجت باشد استراحت فرمایند و سحر روز آخری از ایارج فیکرا و غاریقون و ریوند چینی و تربد سفید از هریک نیم درم شحم الحنظل نیم دانگ محموده یک دانگ و نیم شمط مغسول نیم درم مصطکی مقل و کتیرا و نمک هندی از هریک دو نخود بدهند و ده مثقال شراب بنفشه وقت سحر بدهند و بعضی از اطباء مثل صاحب معالجات بقراطیه در

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۷

جمع میان صبر و غاریقون امتناع می‌نمایند- بنابراین اگر احتیاط کنند و غاریقون داخل نکنند بواسطه آنکه در ایارج فیکرا صبر هست

و بعوض آن حجر ارمنی بوزن آن داخل کنند می‌شاید-

### فصل در ترتیب خوردن بیخ چینی

می‌باید که بستانند ازو صد و پنجاه مثقال زرگری و آن شش دانگ و صد و هشتاد عطاری تبریزی ابریشمی است هر مثقالی از آن پنج دانگ باشد آن را به بیست و یک حصه کنند و هر روز یک حصه را مثل باقلا کوچک‌تر کنند و در یک من و نیم آب بوزن تبریز بجوشانند تا به نصف آید و در بعضی نسخ آمده در دو من آب بجوشانند تا به سه چهار یک آید و بعد از آنکه پخته شود بر بالای دیگ استاده سر دیگ را بردارد تا بخار بر روی و گلوی او برآید یا آنکه همچنانکه در دیگ است پیش خود نهد و لحاف بر سر کشد تا عرق تمام بکند و گاه‌گاه دهن وا کند و نفس بکشد هم از دهن و هم از بینی که بخار خوب باندرون برسد و بعد از آن صاف کرده در پیاله از آن بخورد و بعضی گفته‌اند که یک پیاله و نیم بیاشامد و تتمه آن را در آن شبانروز بخورد و آب دیگر نخورد و دست و روی خود را هم بدان آب بشوید و در وقت قسمت کردن می‌باید که دو دانگ سنگین و دو دانگ سبک باشد هر روزی مقدار هفت و نیم مثقال که دو دانگ می‌شود تخمینا و تخمینا جهت آن گفتیم که فی الحقیقت از دو دانگ کمتر می‌شود و بعد از آن در دیگ سفالین پاک شسته کنند و آب بوزن مذکور درو ریزند و دیگ دیگر بر سر او نهند سرنگون و اطراف آن را بخمیر بگیرند بعد از آن بر آتش نهند

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۸

و بجوشانند که از هیچ طرف محل تنفس نداشته باشد که بخار بیرون رود و همچنان سر بسته بزیر لحاف برند و سرش بکشانید و نوعی کنند که بخار بر سر و رو برسد و همچنین بیخی که یکبار جوشانیده بار دیگر بجوشانند بهمین طریق تا چهل و دو روز تمام شود پرهیز نمایند از لبنیات و حموضات و نمک و آب و غیر از نان بی‌نمک و برنج و مرغ بی‌نمک نخورند و از هوا اجتناب نمایند و شربت قند یا نبات بخورند و در طعام دارچینی بخورند و گوشت بره کباب هم می‌توان خورد و درین مدت مباشرت نمی‌باید کرد و تبدیل لباس و غصه و غم ننمایند و بحمام نباید رفت و آخر روز چهل و دوم بحمام رود و در نسخه اصل مذکور است بهر مرض که خورند الله سبحانه تعالی شفا می‌بخشد و تفصیل مذکور سابق واقع است و در بعضی نسخ آمده که بیست و یک روز هر روز هشت مثقال بجوشانند چنانچه صد و شصت مثقال باشد و این چون مشتمل بر مقدار اکثر بواسطه احتیاط اشهر است و کسانی که سه صد مثقال استعمال می‌نمایند اگرچه مشتمل بر احتیاط است اما مستلزم افراط است-

### فصل در استعمال این بیخ

بغیر از طریق مذکور معلوم باشد که بعضی چوب چینی دوباره جوشانیده را خشک می‌کنند و می‌کوبند و داخل حلوی آرد و روغن می‌کنند و می‌خورند- اما عجب است که بعد از دوباره طبخ و تخفیف در او قوتی مانده باشد آرد و روغن مشدد نخورند و اگر خورند این حشوی در آن نکنند و بعوض آن دارچینی کنند اولی خواهد بود و حلوا بقند سازند و اگر حلوا بآرد برنج سازند بهتر است چرا که غلظت و تسدید آن کمتر است و اگر باقند و با عسل ترکیب کنند و مانند معجون

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۰۹

و شربت بکار دارند نسبتی ندارد و بسیار مردم باشند که فوائد این دوا ایشان را حاصل شود اما تاب مشقت دوردار انداز و این وزن مذکور را کوفته بیخته سفوف می‌کنند و نشنیدیم و ندیدیم که یکی را انتفاع حاصل شده اما اگر بکوبند و حسب مصلحت هر مرض یا بعض ادویه ترکیب ساخته بقند مقوم و عسل معجون سازند و هر روز قدری بخورند و غذا و پرهیز مقرر معمول دارند- اگر تمام منافع آن را نیابند بعضی از آنها لامحاله حاصل شود ان شاء الله تعالی- قد تمت الرساله بعون المعبود فی اواسط رمضان

المبارک ۹۹۳ هـ -

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۱۰

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۱۱

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۱۲

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۱۳

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۱۴

تصویر

رساله بیخ چینی، متن، ص: ۱۱۵

تصویر [۳]

[۱] (۱) - این کتاب توسط موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل در سال ۱۳۸۲ انتشار یافته است. ظاهراً کتاب مورد اشاره به لحاظ در بر داشتن نکات مهم و تاریخی در مورد ورود برخی بیماریهای مقاربتی از اروپا به ایران در دوره صفویه اهمیت ویژه‌ای دارد اگرچه شاید بهمین دلیل برخی نویسندگان غربی مثل سیریل الگود در کتاب تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، نسبت به وی لحنی معترض و نامناسب پیش گرفته‌اند.

[۲] (۲) - شرح نسبتاً مبسوطی درباره زندگی این دانشمند ایرانی، را در دیباچه کتاب آتشک (انتشارات ویژه موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل) نگاشته‌ایم.

[۳] عماد الدین شیرازی، محمود بن مسعود، رساله بیخ چینی، جلد، دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۳ ه.ش.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: ۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR  
۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

